

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

صبا راهی

۱۱/۰۳/۰۵

امریکا آماده سوار شدن بر موج قیمت نفت!

بروز خشونت در دنیای عرب قیمت نفت را به سرعت بالا برده است، که برخی معتقدند این شروع افزایش عظیم قیمت نفت است. نفت بر روی بهای جهانی هر چیز، از غذا تا حمل و نقل اثر گذار است و نیز تهدیدی برای جلوگیری از بهبودی وضعیت اقتصادی میباشد.

اعتراضات در کشورهای عربی به نظر میرسد که به یک دیگر سوخت می‌رسانند؛ بی امان از خاورمیانه تا افریقای شمالی به سرعت روی مردم بیشتری تأثیر می‌گذارد. اعتراضات در داخل یا نزدیک کشورهای دارای ثروت نفت که به مصرف جهانی بیش از ۸۵ ملیون بشکه نفت خام در روز کمک میکند در حال خشمناک شدن است.

بلاکلیفی تولید نفت نرخ آنرا نجومی کرده، به این معنا که موج شوک ها از به هم خوردگی اوضاع خاورمیانه در سراسر دنیا محسوس بوده است.

"نفت امروزه ماندنی ترین منبع بر روی کره زمین میباشد و کسی که آنرا کنترل میکند بی نهایت حائز اهمیت است.

سارا فلاندرز مدیرعامل مرکز واکنش بین المللی یادآوری می نماید:

"اکنون بحران خاورمیانه باعث گردیده تا اقصای متوسط امریکائی تجربه تلخی را کاملاً بفهمند که همانطور نفت به طور نجومی افزایش میکند بنابراین مطمئناً قیمتی هم که مردم برای بنزین می پردازند نیز بالا میرود و حالا نرخی که امریکائی ها در پمپ بنزین ها می پردازند تهدیدکننده ممانعت از بهبودی بحران اقتصاد امریکا میباشد.

یک افزایش ناگهانی در قیمت نفت پایان اقتصاد امریکا خواهد بود، نه فقط یک پایان به بهبود – کمکهای بلاعوضی دیگر وجود ندارد." مایکل سی. راپرت، نویسنده هشدار میدهد.

بالاترین قیمت نفت، که مایکل تخمین میزند، زمانی ست که نفت به بشکه ای ۱۵۰ دلار امریکا صعود کند، نرخی که او باور دارد امسال اجتناب ناپذیر است. سایرین پیش بینی میکنند که به ۲۲۰ دلار میرسد.

این بسیار ویران کننده است، به خاطر اینکه نفت بیشتر از انرژی سوختی تنها برای اتوموبیلها میباشد، که اقتصاد کل دنیا را به چرخش در میآورد.

اگر گاز به گالونی ۵ دلار امریکا برسد در سخت بودن آن برای اقصای متوسط امریکائی شکی نیست، همانطور که برخی پیش میکنند، یک بهای بالای سیاسی نیز برای دولت اوپاما نیز وجود دارد.

استیو لیواین، همکار ویرایش سیاست خارجی: "اگر بهای بنزین نیز خیلی افزایش پیدا کند و برای مدت زیادی هم، دولت اوباما احتمالاً با فشار سیاسی شدیدی روبرو میشود."

تا آن زمان این قضیه قابل رد شدن نیست که امریکا در رویدادهایی که در خاورمیانه رخ میدهد نقش دارد: هر دفعه که رئیس جمهور امریکا باراک اوباما در جایگاه مخصوص رفت ندای "رفرم سیاسی اجتماعی و اقتصادی" رادر مصر سر داد یا ندای استعفای رئیس جمهور مصر حسنی سرداد، او ندای پایان دادن به وضعیت موجود را سر داد، که به معنای بالا رفتن عدم اطمینان در منطقه ثروتمند نفت بود. بنابراین، آیا رهبران قضیه را سنجیدند که گریبان اقتصاد خودشان را میگیرد؟

*مایکل سی راپرتز: "گونه ای تلاش برای هل دادن به طرف عقب علیه یک بهمن خشم مردم و من فکر نمی کنم که آنها خیلی موفق باشند."

آنها باید تلاش امریکا را برای کنترل موقعیت متوقف کنند، پیشنهاد کنار گذاشتن قذافی از قدرت منافع معینی برای امریکا در بردارد، به طور مثال به کنترل در آوردن منبع عظیم نفت لیبی.

امریکا حتی ممکن است که از حمله نظامی تحت عنوان "کمک به مردم معترض" استفاده نماید.

"امریکا ممکن است که برای برکناری قذافی به عملیات نظامی در لیبی دست بزند و این قضیه نه به خاطر "دلسوزی" امریکا برای وضعیت سیاسی - اقتصادی لیبی خواهد بود، بلکه برای انبوه نفتی ست که کشور لیبی از آن برخوردار است و امریکا به عنوان "سوپر قدرت" میخواهد تسلط کامل و مستقیم بر آن منبع عظیم نفت لیبی داشته باشد و آنرا به کنترل خود در آورد تا بتواند قیمت نفت را تعیین نماید.

سارا فلاندرز مدیر عامل مرکز واکنش بین المللی: "دلسوزی های اوباما هیچ ربطی به آنچه مردم مصر یا لیبی میخواهند ندارد، همه این دلسوزی ها برای منافع کمپانی های نفتی امریکانی، کمپانی های نظامی امریکانی در حمایت از سود های نجومی سرمایه آنهاست!"

در هر دو صورت، تحلیل گران معتقدند بالا بردن قیمت نفت به سادگی هزینه سوخت مردم را بالا خواهد برد و دولت وسیعاً در این زمینه یارانی کمک ندارد.

مایکل سی راپرتز:

"مردم امریکا با شرایط بسیار دشواری روبرو میشوند و راهی برای بیرون رفتن از آن در حال حاضر وجود ندارد، من می توانم به شما بگویم که دولت میداند که این وضعیت در حال رخ دادن است."

منبع: <http://rt.com/news/oil-price-libya-us>

از آنجا که ترجمه متن بالا و یا متنهایی از این دست را وظیفه اجتماعی-سیاسی خود میدانم در حقیقت برای کمک به ارتقای آگاهی آندسته از کسانی ست که به سادگی میپندارند یا چنین به آنها گفته شده که امریکا برای مردم کشورهای مثل ایران و لیبی و مصر و افغانستان و عراق... دلش میسوزد، دلش میسوزد که رژیم های این کشورها از مردمانش "حقوق بشر جهانی" را سلب کرده، و یا هر داستانی "سوزناک" دیگر مشابه آن... امریکا در اصل دلش حتی به حال اکثریت مردم خودش نمیسوزد، و کسانی که پدیده ای به نام امپریالیسم - بالاترین مرحله از سرمایه داری - را به خوبی میشناسند به این امر کاملاً واقف هستند که آنچه امریکا برای آن تلاش میکند سود نجومی مثنی بانکدارهای خونخوار، ثروتمندانی که دیگر حتی نمیدانند با پولهایشان چه کار کنند، میباشد. مثنی غارتگر که در اصل "تعیین کننده" روی کار آمدن رژیم های مستبدی مثل رژیم حسنی مبارک، صدام، شاه در ایران، رژیم خمینی، رژیم کرزی... میباشد، این رژیم ها را بر سر کار می آورند، تا کمپانی هایشان از طریق

غارت منابع طبیعی و انسانی این کشورها با کشتار طبقه محروم و زحمتکش آن کشورها کاخ های ستم خود را برپاکنند، این رژیم ها را بر سر کار می آورند تا هر آنکس که از آزادیخواهی به معنای رهایی کشور و مردمش از سلطه جنایتکارانه و غارتگری امپریالیستها مبارزه میکند را بگیرند و بندند و شکنجه و تجاوز کنند و بعد هم سر به نیست و اعدام و تیرباران. از خودمان پیرسیم که مگر امریکا وقتی که شاه را در بیست و هشت مرداد ۱۳۳۲ در یک کودتا که توسط سی آی ای به ایران آورد دلش برای مردم ایران سوخته بود؟ اگر سوخته بود که شاه را نمی آورد، چون مصدق نفت را ملی اعلام کرده بود، و دست کمپانی نفتی انگلیسی را از منابع نفت ایران کوتاه میکرد، اما امریکا شاه را آورد، ساواک را هم برای او ساخت، تا هر مخالف شاه که در اصل مخالف امپریالیسم بود را بگیرد و شکنجه کند و بکشد و سر به نیست کند، خب.. اسم این دلسوزی ست؟ بله.. دلسوزیست اما دلسوزی برای طبقه دزد و غارتگر و استثمارگر و نه دلسوزی برای طبقه کارگر و زحمتکش و محرومان.

این کمپانی ها که خواندن رقم سرمایه شان ساده نیست خود هرگز یک دلار هم بابت "مالیات" به دولت هایشان پرداخت نمیکنند، اما با مالیاتهایی که از دستمزد کارگران، زحمتکشان کشورشان و محرومان دریافت میکنند، به عراق و افغانستان حمله نموده و مالیات مالیات دهندگانشان را صرف هزینه ارتش وحشی و تجاوزگرشان میکنند تا به آنها " تمدن یاد دهند و برایشان دموکراسی" بیاورند. این کمپانی های خون آشام از هیچ گونه جنایتی در حق مردم کشورهای تحت سلطه شان دریغ نمیکنند، آنها را توسط ماشین های آدم کشی مثل ساواک و واوما و مزدوران شان مانند شاه و خمینی و میرحسین موسوی و خامنه ای، مبارک و صدام و ... سرکوب و کشتار میکنند. اگر چه افرادی مانند "ژوبین رازانی" معروف به منصور حکمت، مشکوک به همکاری با ساواک، در لباس " کمونیسم کارگری" برای دم جنباندن به اربابان جهانی این مزدوران مدام بر " طبل غرب مدرن " میکوبد، و از حمله نظامی ارتش امپریالیسم امریکا به عراق و افغانستان حمایت میکند، و رژیم صهیونیستی و ضدبشری اسرائیل حیوان صفت را به رسمیت میشناسد تا به این طریق به سود غارتگران مسیر چپاول و دزدی و استثمار را برای امپریالیستها هموار کنند، اما اینان خائینی بیش به طبقه کارگر و محروم ایران نبوده و نیستند همانطور که حزب توده منفور به طبقه کارگر ایران در حالیکه در عمل از منافع بورژوائی غارتگر دفاع میکرد و میکند. اینان مزدورانی هستند که مبارزان رهایی از سلطه امپریالیستها باید آنها را از صفوف مبارزاتی شان دور کنند. آنچه که مردم امروز در لیبی، مصر، تونس، الجزایر و ایران.. با فریاد های خشم خود نشان میدهند این است که رژیم های مستبد وابسته به امپریالیستها را نمیخواهند، و نیز نمیخواهند که امپریالیستها و در رأس آنها امپریالیسم امریکای خون آشام از طریق نمایندگانی چون هیلری کلینتون که دستشان به خون یک ملیون زن و مرد و کودک عراقی در تحریم اقتصادی عراق آغشته است، برکنار شوند، چرا که دلسوزی اواما و هیلری کلینون جنایتکار دلسوزی برای سود سرمایه داران خونخوار جهانی ست و نه دلسوزی برای ما.... بکوشیم تا یکدیگر را از ماهیت امپریالیستها آگاه نماییم. بکوشیم تا به هیچ کدام از جناح های جنایتکار رژیم اجازه ندهیم سوار بر موج مبارزات مردم شوند، رژیم جمهوری آدم کشی اسلامی چه با میرحسین چه بی میرحسین رژیم ضدکارگر ضد محرومان، و ضد هر گونه آزادی برای نفس کشیدن است.

هر دو جناح آدم گش رژیم سرمایه داری اسلامی در خدمت به منافع امپریالیستها بود که هزاران کمونیست ضدامپریالیست و دیگر نیروهای مبارز انقلابی را در دهه شصت در زندانهای سراسر کشور قتل عام نمودند، و این قتل عام به دستور خمینی جلا و توسط دولت وقت صورت میگرفت و امام زمان از چاهش برای اینکار بیرون نیامده بود.. جناح حاکم در قدرت برای پیشبرد منافع امپریالیسم و جناح دیگر که از آن " اپوزیسیون" ساخته شده در

کمک به جناح حاکم ترمز مبارزات کارگران و زحمتکشان و محرومان است. اگر امروز اوباما نماینده قلدران دنیا برای آزادی میرحسین و کروبی پیام میفرستد، یا هیلری کلینتون این چهره منفورو جنایتکار که خانوادگی در سیاه نمودن زندگی کارگران و محرومان صفحات تاریخ را پر کرده اند برای "مردم معترض" در ایران دلسوزی میکند، نگرانی شان از همان جنس نگرانی ست که برای "مردم معترض لیبی" که خود امریکائی ها به آن اذعان دارند میباشد، و نه حتی برای حال آن دو نوکر سودسرمایه داری جهانی، میرحسین قصاب و کروبی نیست، که برای وقفه نیفتادن در حفظ منافع کمپانی های خون آشام نفتی، نظامی، ... امریکائی ست آگاهی هر چه بیشتر مردم از ماهیت امپریالیستها و نوکران آنها کمک به سریعتر شدن مسیر مبارزه جهت نابودی امپریالیسم امریکا و رژیم نوکر آن در ایران و سایر نقاط دنیا میباشد.

امپریالیسم خون آشام امریکا بر لبه ورشکستگی ست و نابودی آن به آگاهی من و تو بستگی دارد که بتوانیم با راههای مختلف لگدی محکم به آن زده و به زیاله دان تاریخ پرتش کنیم، هم آن و هم رژیم منفور آن در ایران. اگر نمیتوانی به میدان مبارزه بروی، بیشترین کمکی که در این راه میتوانی انجام دهی صرف نظر از خریدهای غیرضروری است. لوکس گرایی و مصرف گرایی همان چیزی ست که به بقای لاشه گندیده هیولای خون آشام امپریالیسم امریکا کمک میکند.

صبا راهی

سوم مارس دو هزار و یازده